

نظریه‌ی سیستم‌ها
و
تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی
(تأملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان)

گردآوری و ترجمه:

علی اردستانی



سرشناسه	اردستانی، علی، ۱۳۵۴ - گردآورنده، مترجم.
عنوان و نام پدیدآور	نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی: تأملی بر اندیشه‌های نیکلاس لومان / گردآوری و ترجمه علی اردستانی.
مشخصات نشر	تهران: قومس، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۵۶ ص. نمودار.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۸۱۱-۵۹-۹.
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا.
یادداشت	کتابنامه.
یادداشت	نمایه.
موضوع	لومان، نیکلاس، ۱۹۲۷ - ۱۹۹۸ م. - نظام‌های اجتماعی.
موضوع	لومان، نیکلاس، ۱۹۲۷ - ۱۹۹۸ م. - نقد و تفسیر.
موضوع	نظام‌های اجتماعی.
موضوع	نظریه سیستم‌ها.
موضوع	جامعه‌شناسی - فلسفه.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۳ ن ۶ ۴ الف / ۱ HM۷۰۱
رده‌بندی کنگره	۳۰۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۵۶۲۵۳



نام کتاب	نظریه سیستم‌ها و تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی
گردآوری و ترجمه:	دکتر علی اردستانی
طراح جلد	محدثه موسوی
واژه‌نگاری	نیاک
نوبت چاپ	اول
سال چاپ	۱۳۹۴
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۸۱۱-۵۹-۹
چاپ	ایران مصور
قیمت	۱۲۰۰۰ تومان
ناشر	نشر قومس - تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین‌تر از لبافی‌نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱. صندوق پستی ۱۳۹۱-۱۳۱۴۵

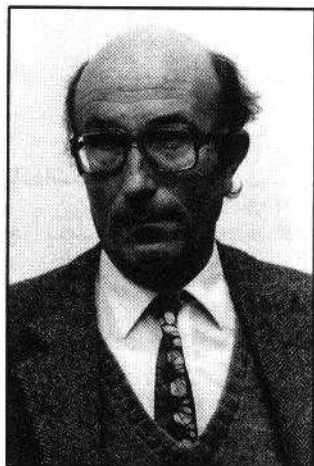
تلفن و نمابر ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۴۷۰۱۵۳ - ۶۶۹۳۲۷۹۷

نشانی اینترنتی www.ghoomes.com

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۵	یادداشت مترجم.....
۱۳	چرا سیستم‌ها؟..... درک بیکر
۴۱	تغییر پارادایم در نظریه‌ی سیستم‌ها..... نیکلاس لومان
۶۳	نظریه‌ی سیستم‌های جدید و نظریه‌ی جامعه..... نیکلاس لومان
۸۶	بنیان‌های نظریه‌ی سیستم‌های اجتماعی نیکلاس لومان..... الکس ویسکوفاتف
۱۴۲	مدرنیت علم..... نیکلاس لومان
۱۶۷	جهانی شدن یا جامعه‌ی جهانی: چگونه باید جامعه‌ی مدرن را درک کرد..... نیکلاس لومان
۱۹۷	سخن و سکوت..... نیکلاس لومان
۲۱۷	میراث نیکلاس لومان..... گوتارد بچمن - نکو استر
۲۴۴	منابع.....
۲۵۵	نمایه.....



نیکلاس لومان در دسامبر ۱۹۲۷ در لونه‌برگ آلمان به دنیا آمد. او در سال ۱۹۴۴ به خدمت نیروی هوایی آلمان درآمد و یک سال بعد از سوی نیروهای آمریکایی به اسارت درآمد. در سال ۱۹۴۶ همانند بسیاری از جامعه‌شناسان اروپایی به تحصیل حقوق روی آورد. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۱ به منظور تحصیل در رشته جامعه‌شناسی نزد تالکوت پارسونز رهسپار هاروارد شد. لومان دکترای خود را در سال ۱۹۶۶ نزد هلموت شلسکی^۱ و دیتر کلسنس^۲ در دانشگاه مونستر به پایان رساند و از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۶ استاد دانشگاه بیله‌فیلد آلمان بود. حاصل تمام این سال‌ها آثار پرشماری است که برای لومان اعتباری جهانی به همراه آورده است. لومان در سال ۱۹۹۸ در اثر بیماری سرطان درگذشت.

1. Helmut Schelsky (1912-1984)

2. Dieter Claessens (1921-1997)

یادداشت مترجم

با توجه به مقاله‌ی گوتارد بچمن و نکو استر در کتاب حاضر که چکیده‌ای مفید و سودمند از کل آثار نیکلاس لومان (۱۹۹۸ - ۱۹۲۷) عرضه می‌کند، دیگر نیازی به تکرار محورهای اندیشه لومان در این جا نیست. مقاله‌ی مزبور به خوبی این وظیفه را انجام می‌دهد و خوانندگان را با نکات محوری اندیشه‌های لومان آشنا می‌سازد. با این وجود، ذکر نکاتی چند درمورد جایگاه و وضعیت اندیشه‌های نیکلاس لومان در محافل علمی ایران ضروری است.

نخست آن که، باید از همین ابتدا توجه داشت که درمورد لومان و آرا و اندیشه‌های او مطالب چندانی در زبان فارسی وجود ندارد و آثاری هم که در این زمینه وجود دارد، کاملاً پراکنده و دست دوم است که، درواقع، آنها را باید ناشی از ذوق مترجمان و احیاناً مولفان دانست. تا آنجا که نگارنده می‌داند، تنها در دو جا به آثار لومان تا حدودی توجه شده است. نخست، در یکی از شماره‌های مجله ارغنون شماره ۱۷؛ و دوم، کتاب یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی اثر رابرت هولاب، کتاب هولاب سال‌ها پیش و با قلم توانای دکتر بشیریه ترجمه گردید. در این کتاب شرحی موجز از اندیشه‌های لومان در پرتو مجادلاتش با هابرماس ارائه گردیده است. در این میان، مجله ارغنون به اندیشه‌های لومان بیشتر پرداخته است و تا حدودی شمایی کلی از آرا و نظرات این متفکر تقریباً ناشناخته در ایران عرضه می‌کند. با این حال، باید توجه داشت که این مجله به رغم این که می‌کوشید در موضوعات خاص به صورت تخصصی برخورد کند کاملاً ناقص است و حتی در ویژه‌نامه‌ای که قرار بوده است درمورد لومان باشد، حتی یک مقاله هم از خود لومان نیست و

بیشتر از منابع دست دوم استفاده شده است. حتی مقالاتی در همان ویژه‌نامه وجود دارد که هیچ ارتباطی به نظریه‌ی سیستم‌ها و اندیشه‌های لومان ندارد. به نظر می‌رسد ریشه این امر را باید عمده‌تأ در تفنن‌نگری حاکم بر این مجموعه دانست؛ به این معنا که این مجله از سوی کسانی اداره می‌شد که به صورت سفارشی مطالب آن را تهیه می‌کردند و اساساً خیلی مهم نبود در چه حوزه‌ای کار می‌شود، این افراد در تمام یا بیشتر شماره‌ها مطلب داشتند. این تفنن‌نگری حاکم بر کل مجله باعث شده بود تا ما کمتر با آثار دست اول روبه‌رو باشیم. اگر دست‌اندرکاران این نشریه می‌کوشیدند تا اندکی دایره‌ی «خودی‌ها» را گسترش دهند و از «دیگران» نیز بهره‌گیرند، شاید الان دست‌کم آثار اصلی لومان - تا جایی که به ما مربوط می‌شود - به فارسی ترجمه شده بودند. به هر حال، این نشریه با تمام نقایص خود سرمنشأ دست‌کم طرح مباحث جدیدی گردید و تا جایی که به ما در این‌جا مربوط می‌شود، جامعه علمی ایران را با نام لومان آشنا ساخت.

این موضوع ما را به نکته دوم هدایت می‌کند. سوالی که در همین رابطه ممکن است پیش بیاید این است که چرا با وجود اهمیت نظریه‌های نیکلاس لومان در اندیشه جامعه‌شناختی در سده‌ی بیستم - به طوری که عده‌ای او را یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی می‌دانند - در ایران با اقبال چندانی روبه‌رو نشده است و حتی دانشجویان رشته‌ی جامعه‌شناسی هم توجه چندانی به او نمی‌کنند. این عدم توجه را، همان‌طور که اشاره شد، می‌توان در میزان مقاله‌ها و کتاب‌هایی که درمورد لومان نوشته است، به عینه مشاهده کرد. بدون ورود به جزئیات، به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل این امر را باید در تقابل اندیشه‌های لومان با اندیشه‌ی چپ در محافل جامعه‌شناختی ایران دانست که بر این محافل سیطره دارد. در واقع، شهرت لومان هم تا حدود زیادی از همین تقابل با مکتب فرانکفورت، به ویژه

هابرماس، ناشی می‌شود. در مقابل، چپ‌اندیشان او را متهم به محافظه‌کاری کردند، موضوعی که بیش از هر چیز مؤید برخورد ایدئولوژیک با او بود. در همین راستا، به نظر می‌رسد یکی دیگر از دلایل مهم در این زمینه به جای گیری عمیق سنت دورکهایمی - وبری در دانشکده‌های علوم اجتماعی برمی‌گردد که خود این موضوع سد محکمی در برابر هر نظریه و اندیشه‌ی جدیدی ایجاد می‌کند. نقطه تلاقی نظریه‌ی لومان با این سنت را می‌توان در تقابل کنش و ساختار مشاهده کرد. تاملی کوتاه بر این تقابل می‌تواند به درک بهتر این موضوع کمک کند.

چنان‌که اشاره شد، یکی از بزرگ‌ترین تقابل‌ها در جامعه‌شناسی، تقابل میان کنش و ساختار می‌باشد. «کنش» را اغلب یا بر حسب کنش جمعی (مثل نظریه کنش‌گران طبقاتی و جنگ طبقاتی مارکس) و یا بر حسب کنش فردی مثل نظریه‌ی وبر درباره‌ی کنش یا معنای ذهنی دسته‌بندی می‌کنند. ساختار هم به معنای امر فرافردی و هم به معنای امر مقید کننده تفسیر شده است. ساختار یا معنا را برمی‌سازد (در نظریه‌ی مارکسیسم تولید کالایی فیتیشم را پدید می‌آورد) یا خود معنایی بر ساخته است (مثل نظریه‌ی دورکیم درباره‌ی وجدان جمعی و به‌ویژه، نظریه بعدی او درباره بازنمودهای جمعی). در روزگار ما این تقسیم‌بندی دوگانه‌ی کلاسیک به پردازش نظریه‌هایی درباره عمل^۱ منجر شده است. مهم‌ترین این نظریه‌ها نظریه‌ی پیر بوردیو و آنتونی گیدنز می‌باشد که در آنها سعی شده است هر دو طرف تقابل در نظریه‌ای گسترده‌تر گردهم آورده شود. نظریه‌ی بوردیو معطوف به بازتولید^۲ است و نظریه‌ی گیدنز معطوف به ساختمان شدن^۳.

-
1. practice
 2. reproduction
 3. structuration

هیچ یک از این دو برداشت مورد نظر لومان نیست. در آثار اولیه‌ی لومان، مفهوم سنتی کنش (که از فلسفه یونان پدید می‌آید) در طرح ابزار - هدف فرمول‌بندی می‌شود؛ از آنجا که هدف کنش به گونه‌ای تعیین می‌شود که گویی در طبیعت آن نگاشته شده است، انتخاب ابزار می‌بایست با این برداشت جوهری از عقلانیت سازگار باشد. با ظهور مدرنیته برداشت جوهری از سرشت و طبیعت ناپدید می‌شود و انتخاب هدف به شکلی ریشه‌ای ذهنی می‌شود. این تحول دو نتیجه به بار می‌آورد که هیچ کدام رضایت‌بخش نیست: یا ما با تأکیدی وجودی^۱ بر اهمیت انتخاب یا تصمیم روبه‌رو می‌شویم (که رخدادی تهی از هر نوع عقلانیتی می‌باشد) یا با تأکیدی صوری بر کفایت ابزاری که برای هر هدفی انتخاب شده است، هدفی که فی‌نفسه هیچ نوع عقلانیت خاصی ندارد. از نظر لومان، راه برون‌رفت از این بن‌بست رها کردن نظریه‌ی کنش و به کار گرفتن نظریه‌ی سیستم‌ها است. نظریه‌ی سیستم‌ها با این شگرد عقلانیت را نجات می‌دهد که آن را بیشتر در زمره صفات نظام‌های اجتماعی و شیوه‌ی کارکرد آن می‌داند تا صفات مقاصد و اهداف کنش. به طور مشخص‌تر، عقلانیت چیزی پنداشته می‌شود که نظام اجتماعی را قادر می‌سازد پیچیدگی را در زیست - محیطی که در آن عمل می‌کند، بکاهد.

این برداشت از عقلانیت به طور مشخص بر برداشت لومان از «معنا» و «حقیقت» تأثیر گذاشته است و راز بی‌توجهی به لومان را نیز باید در همین موضوع دنبال کرد. مفهوم معنا در نظر لومان یک سیستم پیچیده و مستقل است. معنا خود ارجاع و وابسته است؛ بدین معنا که از سوی خودش تعریف می‌شود و عوامل درون سیستمی در زایش آن بیشتر از عوامل بیرونی تأثیر دارند. چنین خودارجاعی‌ای ممکن است به حدی برسد که سیستم با محیط

1. existentialist

قطع رابطه کند. وجه مشخصه سیستم‌های خودارجاع و خودساز آن است که این سیستم‌ها، عناصر تشکیل دهنده خود را تولید و بازتولید می‌کنند و همواره با مشخص ساختن تفاوت‌شان از محیط به خود شکل می‌دهند. معنا به هیچ چیز خارجی اشاره نمی‌کند و از همین رو، بازنما نیست بلکه دال و مدلول در درون سیستم معنا هستند. از همین رو، رابطه‌ی نشانه‌ها در زبان نیز رابطه‌ای دور است. زبان سیستمی دارد که حد و مرزش را از درون یا بیرون تشخیص می‌دهد و خود را مدیریت می‌کند. براین اساس، معنا براساس جهان خارج نیز اعتبار نمی‌یابد، بلکه به وسیله‌ی خود سیستم است که محک می‌خورد؛ این که آیا کارکردی است یا خیر؟ نومان اساساً درصدد تبیین جامعه‌ی موجود است و کارکرد نظریه را به عنوان یک سیستم کاهش پیچیدگی جهان از طریق معنادارسازی آن می‌داند. بدین ترتیب، نظریه‌ی اجتماعی نیز صورت ابزاری به خود می‌گیرد که تنها براساس فایده‌مندی محک می‌خورد. بنابراین، نظریه‌ی رهایی‌بخش از این منظر اساساً نظریه به حساب نمی‌آید.

در واقع، وی خواهان آن است که همه مفاهیم، حتی مفاهیمی مانند ارزش و حقیقت درون چارچوبی با اصالت کارکرد و ابزاری نگریسته شوند. در این نظریه، حقیقت نه به عنوان هنجاری که دارای اعتباری سراسری است، بلکه به عنوان کارکردی در درون یک سیستم فهم می‌شود. حقیقت به همان شیوه‌ی پول، قدرت و عشق عمل می‌کند؛ یعنی جریان کاهش پیچیدگی را به دیگران منتقل می‌کند تا هر کس یا نسل یا گروهی مجبور نباشد از نو دست به گزینش بزند. وظیفه و نقش حقیقت به عنوان وسیله‌ای در میان وسایل بسیار دیگر، تثبیت روابط بین الازدهانی و تأمین اجتماعی عملی در میان مردم است. بنابراین، مفهوم حقیقت هرگونه ادعا نسبت به اعتبار کلی یا ارزش هنجاری را که ما به انطباق احکام با واقعیت و یا به اجماع عقلانی به

عنوان معیار حقیقی بودن نسبت می‌دهیم، از دست می‌دهد. حقیقت نسبت به سیستمی که در درون آن عمل می‌کند معنا دارد؛ یعنی صرفاً متکی به انتقال توفیق‌آمیز گزینش‌ها است.

این امر دیدگاه لومان را به اصحاب پست مدرن و پساساختارگرا نزدیک می‌سازد؛ زیرا تمام مباحث لومان در نهایت به این موضوع می‌انجامد که جهان اجتماعی مدرن جهانی تفکیک یافته و بدون مرکز است. در این جهان دیگر نه اقتصاد، نه فرهنگ و نه جریان سیاسی (نخبگانی که زندگی اجتماعی را هماهنگ می‌کنند) تعیین‌کننده نیستند. در این دیدگاه جامعه یک کلی نیست، بلکه تشری از خرده نظام‌های متفاوت است که خود فقط از طریق تفاوت کار می‌کنند. نظام‌های به شدت ضابطه‌مندی که براساس کد و ضابطه خود عمل می‌کنند (اقتصاد بر اساس پول، سیاست براساس قدرت و...) این نظام‌ها به طور همزمان هم به یکدیگر وابسته‌اند و هم خودآیین. سیستم علمی هرگز نمی‌تواند بدون سیستم سیاسی به کار خود ادامه دهد؛ و سیستم سیاسی نیز به نوبه به دانشی وابسته است که تحقیقات و علوم فراهم می‌آورند.

چنان‌که مشاهده می‌شود، دیدگاه لومان با هیچ کدام از دو سنت حاکم بر محافل جامعه‌شناختی در ایران نه تنها سنخیتی ندارد، بلکه در تقابل نیز هست. بنابراین، جای شگفتی نیست که آرا و نظریه‌های لومان در ایران کاملاً با بی‌توجهی روبه‌رو می‌شود. از جامعه‌ای نظیر ایران که مفاهیم مارکسیستی و دورکهایمی - وبری تا اعماق آن ریشه دوانیده است و می‌کوشد برای مسایل مبتلا به خود راه حل‌های ایدئولوژیک بیابد تا علمی، انتظاری جز این نمی‌رود.

نکته بعدی به جایگاه و اهمیت اندیشه‌های لومان در جامعه‌شناسی برمی‌گردد. واقعیت آن است که وی به عنوان یکی از بنیان‌گذاران نظریه‌ی

جامعه‌شناختی سیستم و از برجستگان کلاسیک علوم اجتماعی سده‌ی بیستم به شمار می‌رود. نظریه‌ی سیستم لومان هم‌اکنون به عنوان یکی از موفق‌ترین و جاافتاده‌ترین نظریه‌ها نه تنها در زمینه‌ی جامعه‌شناسی، بلکه حتی در حوزه‌های دیگر از جمله علوم سیاسی، روان‌شناسی، مدیریت، ادبیات و... مطرح می‌باشد. این نظریه، در سطح بین‌المللی، مباحثات فلسفی و اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار داده است به گونه‌ای که ما امروزه در آلمان، ایالات متحده، ژاپن، ایتالیا و اسکندیناوی با گرایش لومانی در جامعه‌شناسی روبه‌رو هستیم.

لومان در طول زندگی اش به عنوان یک جامعه‌شناس و، همانند یورگن هابرماس، یک نظریه‌پرداز علمی به‌شمار می‌رفت. او با طرح نظریه‌ی سیستم‌های خود در جامعه‌شناسی ولوله‌ای به راه انداخت به گونه‌ای که تمام ساختار حاکم بر جامعه‌شناسی را به چالش کشید. همچنین، در شاخه‌های مختلف علوم انسانی نیز دیدگاه‌های لومان مورد توجه می‌باشد.

در پایان، نگارنده بر خود فرض می‌داند که از تمام کسانی که در این زمینه به او کمک کرده‌اند قدردانی کند. در میان دیگران، مهم‌ترین شخص جناب دکتر جهانگیر معینی است که این مجموعه مرهون تلاش‌های ایشان می‌باشد. توجه و اهتمام ایشان به مباحث مغفول در علوم اجتماعی شایسته‌ی تقدیر و تشکر است. همچنین، باید از دست‌اندرکاران پرتلاش انتشارات قومس، به‌ویژه آقای مهدی عباسی، تشکر کنم که با وسواس و دقت قابل توجهی می‌کوشند مباحث جدید و نوین در علوم سیاسی را در اختیار دانشجویان این رشته قرار دهند.

علی اردستانی

تیرگان هزار و سیصد و نود و سه خورشیدی